

به نام خداوند جان و خرد

### نقطه عطفی شوم

طول کشید تا این نهال خشم وانتقام به بارنشست و مبارزات مداوم وجانفشانی های بیشمار گروه های مختلف مردم ایران سرانجام توانست در بهمن ۵۷ به ثمر برسد و بساط حکومت ظلم و دیکتاتوری رادرهم نوردد. امروز از انقلاب ۵۷ نیز ۳۳ سال گذشته است. ولی هزار دریغ وافسوس که اهداف ملت ایران از انقلاب که درسروحه آن آزادی واستقلال وبرکناری دیکتاتوری قرارداشت هرگز برآورده نگردید. حاکمیت برخاسته از انقلاب راه انحصارطلبی وواپسگرایی درپیش گرفت. باز هم زندان ها که قرار بود موزه ظلم ها و ستم های رژیم گذشته شود از انبوه آزادیخواهان ودگراندیشان انباشته گردید. وجمهوری اسلامی از نظر تعداد اعدام ها دررتبه دوم جهانی یعنی پس از چین قرار گرفت. جمهوری اسلامی با عدم رعایت آزادی های اساسی وحقوق انسانی ملت ایران وایجاد جو اختناق و سوء مدیریت چه درسیاست خارجی وچه در مسائل داخلی وفساد مالی آن چنان کارنامه نامقبولی برای خود فراهم نمود که امروز همان دنباله روهای کودتایچان ۲۸ مرداد با وقاحت تمام خود را محق برای رهبری مردم ونجات کشور تصور میکنند. ولی همه میدانند که اگر امروز ملت ایران گرفتار این همه ناکامی است وبا فقر وبیکاری وگرانی روز افزون و فساد وفحشاءواعتماد دست وپنجه نرم میکند وبا بحران سیاست خارجی روبروست، باید ریشه همه این مصائب را در کودتای ۲۸ مرداد وعمکرد رژیم گذشته جستجو نمود. اگر حاکمیت ملی ودموکراسی دولت ملی مصدق نهادینه میگشت و با آن کودتای ننگین راه تداوم آن بسته نمیشد ورهبروطن خواه وصدیق ملت به محاکمه وزندان مادام العمر کشیده نمیشد امروز بطورقطع سرنوشت ملت ایران رنگ دیگری داشت. اگر فرزند شاه سابق کودتای ۲۸ مرداد را «افسانه ۲۸ مرداد» بنامد واگر کج اندیشان گمراه، محکوم کنندگان کودتای ننگین ۲۸ مرداد را «هیئت عزاداران ۲۸ مرداد» بنامند، چیزی از این واقعیت نمی کاهد که این کودتا نقطه عطف شومی است که تمام سیه روزی های ملت ایران از آن نقطه آغاز میگردد. معلوم نیست که کودتایی که تمام اسرار آن توسط صدها جلد کتاب وهزاران مقاله ودر خاطرات طراحان ودرست اندر کاران آن ودر اسناد محرمانه سی ساله «سازمان سیا» و «اینتلجنت سرویس» صراحتا از پرده بیرون افتاده وتمام حوادث آن درمقابل چشمان ملت ایران به وقوع پیوسته چگونه میتواند «افسانه» نامیده شود؟ آیا خانم مادلین آلبرایت وزیر خارجه اسبق آمریکا که ازبابت دخالت آن کشور درآن کودتا رسما از ملت ایران عذر خواهی نموده است به خاطر یک «افسانه» این پوزش خواهی را انجام داده است؟ این که طرفداران سلطنت چه بگویند وچه اوهامی را درسر بپروراند به خودشان مربوط است ولی اینکه از جرگه آزادیخواهان ویامدعیان آزادیخواهی کسانی تحت تاثیر شرایط روز ایران دچار سطحی نگری شده و گوشه چشمی به طرف آن بانیان ۲۸ مرداد داشته باشند گناهی نابخشودنی ولکه ننگی است که با آب هفت دریا هم از چهره آنان زدودنی نیست.

در حیات ملت ها گاهگاه نقاط عطفی وجود دارد که ممکن است مسیر تاریخ آنها را تغییر داده ودر زندگی آنان اثرات عمیق وشگرف بجای بگذارد. اثراتی که حتی با گذشت دهه ها وبلکه قرن ها هم باقی میماند ونسل های پیایی را درگیر عواقب خود مینماید. بدون شک در تاریخ معاصر ایران کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ یکی از آن نقاط عطف است. که نمیتوان به سادگی از آن گذشت واثرات منفی آن را در روند زندگی ملت ایران نادیده انگاشت و به دست فراموشی سپرد. اکنون از آن کودتا پنجاه وهشت سال گذشته است، ولی پی آمد های آن هنوز گریبان ملت ایران را رها نکرده و فرصت هائی را که آن کودتا چه در ایران و چه در منطقه خاورمیانه سوزاند وناپود کرد هرگز فراموش شدنی نیست. در آن کودتای ننگین شاه مملکت دست در دست سازمان های اطلاعاتی انگلیس وآمریکا گذاشت و آن حرکت پلید وبیگانه ساخته را علیه دولت دموکرات ومستقل وملی مصدق به راه انداخت. کودتایی که طراح آن سرهنگ وودهاوس مامور عالیرتبه اینتلجنت سرویس انگلیس وفرمانده عملیات آن کرمیت روزولت رئیس منطقه ای سازمان سیای آمریکا در خاورمیانه بود. دربار پهلوی، چاقو کشان حرفه ای از قبیل طیب حاج رضائی وحسین رمضان یخی ودار ودسته شعبان بی مخ همراه فواحش فسادخانه معروف تهران، عوامل داخلی انگلیس وآمریکا مانند برادران رشیدیان وبرخی نظامیان وطن فروش مثل فضل الله زاهدی ونعمت الله نصیری وتیموربختیار، بعضی روحانیون درباری مانندآیت الله بهبهانی وچند تن نفوذی های درون نهضت ملی مثل مظفر بقائی وآیت الله کاشانی مجربان این طرح مشعاع انگلیس وآمریکا بودند. کودتا در زمانی اتفاق افتاد که دولت ملی مصدق در مبارزه با استعمار پیر انگلیس پیروز شده وبساط غارتگری شرکت سابق نفت انگلیس را از ایران برچیده بود. او باملی کردن نفت راه چپاول این ثروت عظیم ملی را مسدود وآن را دراختیار صاحبان واقعی آن یعنی ملت بزرگ ایران قرار داده بود. مصدق نه در حرف بلکه در عمل با برقراری آزادی های سیاسی مثل آزادی احزاب، آزادی اجتماعات وتظاهرات، آزادی مطبوعات، آزادی انتخابات وقانونگرایی الگوئی ازدموکراسی را در منطقه استبداد زده خاورمیانه به نمایش گذاشته بود که تا آن زمان نظیری نداشت.

استقلال وآزادی همراه با دراختیار گرفتن ثروت ملی نفت وكسب بیلان اقتصادی مثبت حتی بدون فروش نفت، اعتقاد به تخصص وشایسته سالاری توئم با سلامتی وپاکدامنی حکومت ملی میرفت تا ایران رابه کشوری روبه رشدوتوسعه وملت ایران رابه مردمی مرفه وسعادتمند که استحقاق آن رادارند مبدل نماید که آن کودتای ننگین همه آن دست آوردها وچشم اندازها را بر باد داد وبا تحمیل ۲۵ سال اختناق ووابستگی به اجانب، برسر مردم آن آورد که با اعتراض وخیزش همگانی ملت ایران روبرو گردید ودر بهمن ۵۷ تومارش درهم پیچیده شد. در حقیقت از همان روز انجام کودتا نهال کینه ونفرت از کودتایچان در قلوب آحاد ملت ایران نشاند شد و ۲۵ سال